



دانشکده علوم انسانی
پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

موضوع:

بررسی اعتراض ثالث نسبت به قرارهای نهایی در آئین دادرسی مدنی

استاد راهنما:

دکتر نصرالله قهرمانی

استاد مشاور:

دکتر مهدی حسن زاده

نگارنده:

نادر قنبری

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم :

به پدرم که دعای خیرش چراغ راهم بود.
و به همسرم که گوهر شاد زیستن را به من هدیه داد.

تشکر و قدردانی:

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر نصرالله قهرمانی که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم. از جناب آقای دکتر مهدی حسن زاده به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند کمال تشکر را دارم.

چکیده :

آرای صادره از دادگاه ها علاوه بر شیوه های عادی از طریق فوق العاده نیز قابل اعتراض و رسیدگی مجدد هستند. در مواقعی که رای دادگاه مخل به حقوق ثالث باشد وی می تواند به ان اعتراض کند. قلمرو شمول اعتراض ثالث به تصمیمات قضایی که از آن به رای تعبیر شده محدود می گردد. ولی در مورد قرارها که به اعدادی و نهایی تفکیک می شوند، چون هیچ رویه ثابت و مشخصی در این زمینه در دادگاهها وجود نداشته و همچنین اختلاف نظر در بین حقوق دانان در این خصوص وجود دارد ، لذا این امر در مواقعی باعث صدور آراء متفاوت و سلیقه ای می شود. در این تحقیق سعی شده با بررسی و جمع بندی و نتیجه گیری از نظریات حقوق دانان و تطبیق آنها با رویه قضایی و بیان دلایل ترجیح نظریات غالب و پذیرفته شده ، تحقیقی فراهم شود که امکان استفاده به عنوان یک تحقیق علمی را در این زمینه داشته باشد. با بررسی های انجام شده مشخص گردید ، صرفاً قرارهایی قابلیت اعتراض ثالث را دارند که علاوه بر شمول تعریف قانونگذار از رای در مورد آنها ، مستقلاً امکان ورود ضرر را نیز داشته باشند. از انواع قرارها نیز فقط قرارهای نهایی این قابلیت را دارا می باشند. دایره شمول این قابلیت در قرارهای نهایی محدود به شمار خاصی از آنها می باشد که ارکان اعتراض ثالث در آنها وجود داشته باشد. با توجه به محدود و محصور بودن قرارهای نهایی در قانون با بررسی هر یک ، انواع قابل اعتراض بودن آنها از غیر ان ، با دلیل و استناد به قانون و مقررات حقوقی مشخص گردیده است. علاوه بر قرارهای نهایی قرارهای تامینی و موقت نیز در مواردی می توانند توسط ثالث مورد اعتراض قرار گیرند.

کلمات کلیدی: اعتراض ، شخص ثالث ، قرار نهایی ، ضرر ، آئین دادرسی مدنی

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۶	فصل اول: کلیات
۶	مبحث اول: مفاهیم و تعاریف
۶	گفتار اول: مفهوم اعتراض، شخص ثالث و اعتراض شخص ثالث
۶	بند اول: اعتراض.....
۶	الف- مفهوم لغوی.....
۷	ب- مفهوم اصطلاحی.....
۷	بند دوم: شخص ثالث.....
۷	الف- مفهوم لغوی.....
۸	ب- مفهوم اصطلاحی.....
۸	بند سوم: اعتراض شخص ثالث.....
۱۱	گفتار دوم: مفهوم قرار و قرار نهایی
۱۱	بند اول: قرار.....
۱۱	الف- مفهوم لغوی.....
۱۲	ب- مفهوم اصطلاحی.....
۱۳	بند دوم: قرار نهایی.....
۱۳	مبحث دوم: انواع اعتراض ثالث و قرار
۱۳	گفتار اول: انواع اعتراض شخص ثالث
۱۵	بند اول: اعتراض شخص ثالث اصلی.....
۱۵	بند دوم: اعتراض شخص ثالث طاری.....
۱۶	بند سوم: تفاوت اعتراض اصلی و طاری.....

۱۸.....	گفتار دوم: انواع قرار
۱۹.....	بند اول: قرار اعدادی.....
۲۰.....	بند دوم: قرار نهایی.....
۲۰.....	بند سوم: قرار موقت.....
۲۱.....	بند چهارم: قرار تامینی.....
۲۳.....	مبحث سوم: مبانی ، اهداف و آثار اعتراض ثالث
۲۳.....	گفتار اول: مبانی و اهداف اعتراض ثالث
۲۳.....	بند اول : مبانی اعتراض شخص ثالث.....
۲۴.....	بند دوم : اهداف اعتراض شخص ثالث.....
۳۰.....	گفتار دوم : آثار اعتراض ثالث.....
۳۰.....	بند اول : تاخیر اجرای حکم.....
۳۲.....	بند دوم: اثر انتقالی.....
۳۳.....	بند سوم : اثر کیفی اعتراض شخص ثالث.....
۳۴.....	مبحث چهارم : معیار ، شرایط و آثار قرار های نهایی
۳۴.....	گفتار اول : معیار و شرایط قرار نهایی
۳۴.....	بند اول: معیار قرار نهایی.....
۳۵.....	بند دوم: شرایط قرار نهایی.....
۳۶.....	گفتار دوم: آثار قرار نهایی
۳۶.....	بند اول: قاطع دعوا بودن.....
۳۷.....	بند دوم: اعتبار امر مختومه داشتن.....
۴۱.....	فصل دوم: بررسی امکان اعتراض ثالث نسبت به قرار های نهایی
۴۳.....	مبحث اول: بررسی دلایل موافقین و مخالفین اعتراض ثالث نسبت به قرار های نهایی

۴۴	گفتار اول: دلایل موافقین
۴۵	بند اول: بیان دلایل
۴۶	بند دوم: بررسی و تحلیل دلایل
۵۰	گفتار دوم: دلایل مخالفین
۵۰	بند اول: بیان دلایل
۵۲	بند دوم: بررسی و تحلیل دلایل
۵۳	مبحث دوم: دیدگاه تفصیلی بر اساس انواع قرار های نهایی
۵۴	گفتار اول: قرار های نهایی قابل اعتراض ثالث
۵۴	بند اول: اعتراض ثالث به قرار سقوط دعوا
۵۶	الف - موارد صدور قرار سقوط دعوا
۶۰	ب - شرایط اعتراض ثالث در قرار سقوط دعوا
۶۳	بند دوم: اعتراض ثالث به قرار عدم استماع دعوا
۶۶	بند سوم: اعتراض ثالث به قرار رد دعوا
۶۶	الف: عدم توجه دعوا
۶۷	ب: اعتبار امر مختومه
۶۹	ج: عدم ترتب آثار قانونی
۷۱	د: نامشروع بودن موضوع
۷۴	ه: جزمی نبودن موضوع
۷۵	و: ذینفع نبودن خواهان
۷۸	ط: خارج از موعد بودن
۸۰	بند چهارم: اعتراض ثالث به قرار تامین خواسته
۸۰	الف- دلایل اعتراض نسبت به قرار تامین
۸۳	ب- بررسی دلایل اعتراض

- بند پنجم: اعتراض ثالث به دستور موقت..... ۸۴
- الف- دلایل اعتراض نسبت به دستور موقت..... ۸۶
- ب- بررسی دلایل اعتراض..... ۸۶
- گفتار دوم: قرارهای نهایی غیر قابل اعتراض..... ۸۸**
- بند اول : قرار رد به جهت عدم احراز سمت ۹۰
- الف- دلایل غیر قابل اعتراض ثالث بودن ۹۱
- ب- بررسی دلایل ۹۲
- بند دوم : قرار رد دادخواست..... ۹۳
- الف- دلایل غیر قابل اعتراض ثالث بودن ۹۴
- ب- بررسی دلایل ۹۵
- بند سوم : قرار ابطال دادخواست..... ۹۵
- الف- دلایل غیر قابل اعتراض ثالث بودن..... ۹۶
- ب- بررسی دلایل ۹۷
- فصل سوم : رویه دادگاهها در نحوه رسیدگی به اعتراض ثالث نسبت به قرارهای نهایی ۹۸**
- مبحث اول : مهلت و نحوه طرح دعوای اعتراض ثالث ۹۹**
- گفتار اول : مهلت طرح دعوای اعتراض ثالث ۱۰۰**
- بند اول: قطعیت قرار مورد اعتراض..... ۱۰۰
- بند دوم: مهلت زمانی اعتراض ثالث..... ۱۰۵
- گفتار دوم : نحوه طرح دعوای اعتراض ثالث..... ۱۰۷**
- بند اول: دادخواست..... ۱۰۷
- بند دوم : درخواست..... ۱۰۹
- بند سوم: خواسته دعوای اعتراض ثالث و بهای آن..... ۱۰۹

۱۰۹.....	الف : موضوع خواسته.....
۱۱۴.....	ب : بهای خواسته.....
۱۱۷.....	مبحث دوم : اصحاب دعوای اعتراض ثالث
۱۱۷.....	گفتار اول : معترض
۱۱۷.....	بند اول : ثالث بودن و عدم مداخله معترض در دادرسی.....
۱۱۸.....	الف : مداخله به عنوان اصیل.....
۱۱۸.....	۱- اثبات خلاف فرض قائم مقامی.....
۱۲۰.....	۲- اثبات تقلب نسبت به قانون.....
۱۲۱.....	ب : مداخله به عنوان نماینده.....
۱۲۲.....	ج : مداخله به عنوان غیر اصحاب دعوا.....
۱۲۵.....	بند دوم : ورود ضرر به حقوق ثالث.....
۱۲۸.....	گفتار دوم : خواندگان دعوای اعتراض ثالث
۱۳۰.....	بند اول : رای قابل تجزیه.....
۱۳۱.....	بند دوم: غیر قابل تجزیه.....
۱۳۱.....	مبحث سوم: مرجع صالح و تشریفات رسیدگی به اعتراض ثالث
۱۳۱.....	گفتار اول: مرجع صالح به رسیدگی
۱۳۳.....	بند اول: : دادگاه بدوی.....
۱۳۵.....	بند دوم : دادگاه تجدید نظر.....
۱۳۷.....	گفتار دوم: تشریفات رسیدگی
۱۳۷.....	بند اول : جریان دادرسی.....
۱۳۸.....	الف- استرداد رای مورد اعتراض.....
۱۳۹.....	ب-بی اعتباری رای مورد اعتراض.....

بند دوم: صدور رای و اعتراض به رای ۱۴۰

نتیجه گیری ۱۴۱

پیشنهادات ۱۴۳

منابع ۱۴۵

مقدمه:

۱- طرح مسئله:

اصل این است که رای، فقط ناظر به روابط متداعین باشد و سرایت به حقوق دیگران نکند، مگر اینکه به تشخیص قانونگذار مصلحت، اقتضاء خلاف این اصل را بکند و دلایلی هم برای اثبات این اصل باید در نظر گرفته شود که عبارتند از:

۱- رای تابع دلیل است و دلایل دعوا را طرفین تهیه و به دادگاه ارائه می دهند. ادله و دفاعیات خواهان و خوانده که دو طرف یک دعوا هستند چگونه می تواند ثالث را ملزم کند که به حکم یا قرار دادگاه در آن دعوا ملزم شود؟

۲- محدود کردن حکم دادگاه بر روابط متداعین اصلی تالی فاسدی دارد. لذا رای دادگاه در حدود خود، در مقابل ثالث قابل استناد است و ثالث متضرر از رای، چه راهی برای دفاع دارد؟

با توجه به اینکه در دعوا، دادگاه به طرفیت عموم چیزی را اثبات نمی کند، لذا نباید مدلول و موضوع حکم را به ثالث سرایت داد. این نقص نسبی بودن حکم نیست، بلکه این نقص دانش ماست که در دادرسی از کشف واقع محروم هستیم و در یک دعوا نمی توان رایی به طرفیت عموم صادر کرد. برای رهایی از این نقیصه که اشکال تعارض احکام را در پی دارد، یک راه عاقلانه و حقوقی وجود دارد و آن این است که؛ قانونگذار انواع دعاوی را بررسی کرده و در هر مورد که پس از سنجش صلاح می بیند که به حکم اعتبار مطلق (علیه عموم) بدهد، با نصب یک فرض قانونی به این هدف برسد. (چنانچه این کار را در این مورد؛ مانند، ارث اشخاصی که با هم می میرند کرده است) و یا در مورد اقرار مرد یا زن به فرزند صغیر. قانونگذار در ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی به تبع فقه اسلام، این اقرار را از صورت نسبت خارج کرده و در حق ثالث (یعنی غیر از مقرر و مقرر له) موثر شمرده است. لذا تا زمانی که قانونگذار به آرای اعتبار مطلق نبخشیده است^۱،

^۱ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸)، ج ۱، ص ۴۷۱

آراء اصولاً اعتبار نسبی داشته و ثالث حق دارد نسبت به آن چنانچه محل به حقوقش باشد ، اعتراض کند تا با بی اعتبار کردن آن از تعرض به حقوق خود ممانعت به عمل آورد.

در خصوص اعتراض شخص ثالث آنچه نظر اغلب حقوق دانان را به خود معطوف داشته ، این است که ، با توجه به نسبی بودن آرای دادگاهها و عدم تاثیر آن در حقوق کسانی که در دعوا حضور نداشته و طرف دعوا نیز نبوده اند ، چگونه ممکن است که شخص ثالثی ناچار به شکایت نسبت به رای شود که بین دیگران و له یا علیه آنها ثالث شده است. آنچه باید در این خصوص مد نظر قرار گیرد این است که ، هرچند رای دادگاه فقط علیه محکوم علیه قابل می باشد ، اما به عنوان یک دلیل در مقابل همه قابل استناد است. لذا ثالث تنها راهی که برای بی اثر کردن این دلیل دارد ، اعتراض ثالث نسبت به آن است. آرای صادره از دادگاهها به حکم و قرار تقسیم بندی می شوند و در قابلیت اعتراض ثالث بودن قرارهای نهایی بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد . از انجایی که قرارهای نهایی بدون ورود در ماهیت دعوا صادر می شوند ، شاید چنین بنظر برسد که تنها موجب خروج دعوا از دادگاه شده و قاطع آن می باشند ولی نمی توانند ضرری به حقوق ثالث وارد آورند و از این جهت امکان اعتراض ثالث را نداند . بنابراین در این تحقیق به بررسی این موضوع و اثار و شرایط اعتراض ثالث در قرارهای نهایی پرداخته شده است.

۲- اهمیت و ضرورت :

در خصوص موضوع بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد و رویه ثابت و مشخصی نیز در دادگاهها موجود نیست و این امر باعث صدور آراء متفاوت و سلیقه ای می شود. لذا بر آن شدیم تا با بررسی موضوع و بیان نظرات مخالفین و موافقین و نقد آنها در کنار آرای دادگاهها و دیوان عالی کشور ، تحقیقی علمی و کاربردی و قابل استفاده برای کسانی که با موضوع اعتراض ثالث مواجه می شوند تهیه گردد. از این جهت موضوع کاملاً جدید و جنبه پژوهشی و کاربردی دارد. که انتظار می رود حتی الامکان گامی موثر در جهت تحلیل و شناخت هرچه بیشتر موضوع باشد.

۳- پیشینه و سابقه:

در خصوص اعتراض ثالث، با توجه به اختصاص فصل دوم از باب پنجم ق.ا.د. م.؛ یعنی، مواد ۴۱۷ تا ۴۳۵، در هر یک از کتابهای اساتید حقوق، کم و بیش مبحثی به این موضوع اختصاص یافته است. تحقیقات و پایان نامه‌هایی نیز در این خصوص صورت گرفته که عبارتند از: اعتراض ثالث در حقوق ایران و تطبیقی در سال ۱۳۷۴ در دانشگاه شهید بهشتی با راهنمایی آقای دکتر شمس، اعتراض ثالث نسبت به بازداشت اموال با راهنمایی جناب آقای دکتر شمس در دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۶ و کتابی با موضوع اعتراض شخص ثالث در دادرسی‌های مدنی نوشته آقای عبدالصمد دولاح در سال ۱۳۸۶ تهیه شده است. متأسفانه در خصوص قراردادهای نهایی و قابلیت اعتراض ثالث در آنها نه تنها تحقیقی صورت نگرفته، بلکه حتی در کتابهای اساتید نیز به ندرت به آن اشاره شده است.

۴- سوالات تحقیق:

قراردادهای صادره از دادگاه به قراردادهای اعدادی، نهایی، موقت و تأمین‌ی تقسیم‌بندی می‌شوند. در خصوص قابلیت اعتراض ثالث نسبت به انواع قراردادهای بین حقوق دانان اتفاق نظر وجود ندارد، لذا در این تحقیق سعی شده ارکان اعتراض ثالث را در هر یک از قراردادهای مذکور بررسی و مورد مطالعه قرار داد تا مشخص شود:

- ۱- آیا کلیه قراردادهای نهایی قابلیت اعتراض ثالث را دارند یا خیر؟
- ۲- رسیدگی به اعتراض ثالث به قرار نهایی مانند خود قرار به صورت فوق العاده و بدون ورود در ماهیت انجام می‌گیرد یا با رعایت تشریفات و به صورت ماهوی؟
- ۲- کدام یک از انواع قراردادهای محسوب می‌شوند و رکن ایجاد خلل به حقوق ثالث در چه مرحله‌ای مناط نظر است؟

۵- فرضیات:

۱- قراردادهای نهایی رای محسوب شده و قابل اعتراض ثالث هستند ولی برخی از آنها مانند قرار رد دادخواست و ابطال دادخواست رکن ورود ضرر به حقوق ثالث را ندارند. لذا قابل اعتراض از جانب ثالث نیستند، که هر یک باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

۲- چون قرار بدون ورود در ماهیت دعوا و بدون تعیین تکلیف نهایی صرفاً موجب خروج آن از دادگاه می‌شود، لذا قابلیت کمتری برای وارد کردن ضرر به ثالث را دارد. و رسیدگی به اعتراض ثالث نیز باید مانند خود قرار به صورت فوق العاده و بدون تشریفات و حضور طرفین رسیدگی شود. حال آنکه اعتراض ثالث به حکم بر طبق تشریفات دادرسی نخستین صورت می‌گیرد

۲- فقط قرارهای نهایی قابل اعتراض ثالث هستند نه مقدماتی و ایجاد خلل باید در مرحله صدور رای وجود داشته باشد نه در اجرا.

۶- روش تحقیق:

این تحقیق با اتکاء بر تحقیقات انجام شده قبلی و استفاده از نظر حقوق دانان و رویه محاکم و آرای اصداری در این خصوص و مطالعه کتب و مقالات و مجموعه های مربوطه به روش کتابخانه ای تهیه شده است.

۷- ساختار تحقیق:

برای فهم بهتر و بیان یافته های این تحقیق سعی شده که ابتدا مفاهیم و تعارف ضروری که در طول این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد آورده شده و پس از آشنایی با اصطلاحات کلیدی و شناخت اجمالی با اشراف و پیش زمینه آماده تری به طرح موضوع اصلی پرداخته شود. از این جهت در فصل اول به کلیات موضوع و بررسی مفاهیم و تعاریف اصطلاحات تحقیق، انواع، مبانی، اهداف و آثار و معیارها و شرایط آن پرداخته شده است. این فصل در حد امکان سعی شده به اختصار و در حد نیاز باشد و در فصل دوم مربوط به بررسی اصلی تحقیق پرداخته شده و موضوع به تفصیل مورد بحث قرار گرفته تا ضمن بیان دلایل موافقین و مخالفین امکان اعتراض ثالث به قرارهای نهایی و بیان دیدگاه تفصیلی در خصوص موضوع از یک تقسیم بندی شناخته شده برای رساندن بهتر مقصود استفاده شود. و برای ارتباط مباحث تئوریک با عمل و پیگیری آن در رویه عملی دادگاهها فصل سوم به این امر اختصاص داده شده که به بررسی شکلی و عملی موضوع با تکیه بر آرای دادگاهها اختصاص دارد. به نظر نگارنده تقسیم بندی انتخاب شده در، طرح موضوع و ارائه دستاوردهای آن، به دلیل مرسوم بودن مناسب تر از سایر تقسیم بندی ها می‌باشد.

فصل اول: کلیات

فصل اول: کلیات

در این فصل قبل از ورود در مباحث اصلی تحقیق، به تعریف اصطلاحات و اجزاء موضوع تحقیق پرداخته شده و از نظر لغوی و اصطلاحی، به تبیین موضوع تحقیق و تعریف آن می پردازیم، و با توجه به تعریف ارائه شده، حدود موضوع تحقیق مشخص می شود.

این فصل در دو مبحث جداگانه تقسیم بندی شده؛ که مبحث اول مربوط به کلیات اعتراض شخص ثالث می شود که آن هم در پنج گفتار جداگانه شامل: مفهوم لغوی، اصطلاحی، تعریف، انواع، مبانی، اهداف و سابقه اعتراض ثالث می شود. مبحث دوم، به بررسی کلیات مربوط به قرار نهایی اختصاص یافته است؛ که آن هم در پنج گفتار به تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی قرار، تعریف، معیار آن و همچنین بررسی انواع و شرایط و آثار قرارهای نهایی می پردازد.

مبحث اول: مفاهیم و تعاریف

در این مبحث به تبیین مفهوم اعتراض شخص ثالث و بررسی مختصری در اطراف آن پرداخته می شود و برای جلوگیری از اطاله موضوع سعی شده در حد توان به نحوی که به فهم موضوع تحقیق و تبیین حدود آن آسیب وارد نسازد، به اختصار مطرح شود.

گفتار اول: مفهوم اعتراض، شخص ثالث و اعتراض ثالث

بند اول: اعتراض

الف - مفهوم لغوی

کلمه اعتراض در لغت به معنی: «نقاضت و مخالفت، تعرض و مقابله، رد و عدم قبول، ایراد و عیب جویی و خرده گیری^۲» و «عارض شدن، حائل شدن، منع کردن، انکار قول و فعل کسی^۳» بکار رفته است و اغلب با کلمات فوق، به صورت معادل و هم معنی بکار میرود.

^۲ - علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۲)، جلد ۲، ص ۲۴۸۵

^۳ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، (تهران، نشر کنگ دانش، سال ۱۳۷۸)، جلد ۱، ص ۴۷۰

اعتراض کردن هم، به «عیب کسی کردن، حجت گرفتن، حرف در کار کسی کردن و ناخن زدن»^۴ معنی شده است. البته یکی از اساتید حقوق، معادل معنی لغوی اعتراض را واخواهی دانسته و فرموده اند: «اعتراض در لغت به معنی منع و جلوی کسی یا چیزی را گرفتن است و فرهنگستان لغت واخواهی را بجای آن نهاده است.»^۵

ب- مفهوم اصطلاحی

در خصوص مفهوم اصطلاحی اعتراض، تقریباً به معنای لغوی آن نزدیک میباشد و عبارت است از: «انکار قول یا فعل کسی، چنانچه محتسب می کرد به کار می رود»^۶ و در رشته های مختلف حقوق، از این واژه در رساندن معنای تعرض و ایراد گرفتن و خرده گرفتن استفاده شده است؛ چنانچه در آیین دادرسی، اعتراض به رای یا تصمیم دادگاه، اعتراض به نظر داور، اعتراض شخص ثالث و یا در حقوق تجارت اصطلاحاتی از قبیل: اعتراض عدم تادیه، اعتراض نکول و غیره نیز در همین معنی بکار رفته است.

بند دوم: شخص ثالث

الف- مفهوم لغوی

از نظر لغوی، شخص به معنی: «هر جسم که ظهور و ارتفاع داشته باشد؛ مانند: صخره و تندیس و پیکر جمادات و نباتات و انسان»^۷ به کار رفته است. همچنین به معنای: «کالبد مردم، جسم، هیكل و اندام آدمی»^۸ نیز تعریف شده است و ثالث هم به معنی: «نعت فاعلی از ثلث است، که معنای سوم شخص خارجی می دهد و در کتاب کلیله و دمنه آمده: هر راز که ثالثی در آن محرم نشود، هر آینه از اشاعت مصون است.»^۹

^۴- همان، ص ۴۷۰

^۵- جعفری لنگرودی، ترمینولوژی، ص ۲۲۴۸

^۶- جعفری لنگرودی، مبسوط، ص ۴۷۰

^۷- دهخدا، پیشین، ج ۳، ص ۲۲۴۸

^۸- همان، ج ۹، ص ۱۲۵۰۶

^۹- همان، ج ۵، ص ۶۳۷۰

ب - مفهوم اصطلاحی

«شخص عبارت است از: شخص طبیعی یا حقوقی و شامل شرکت تضامنی و تجارت خانه و شرکت و جمعیت های ثبت نشده و شرکت ثبت شده می باشد.»^{۱۰}

شخص ممکن است شخص حقوقی یا اعتباری و شخص حقیقی یا طبیعی باشد. به عبارت دیگر؛ شخص، کسی است که موضوع حق قرار میگیرد و شامل؛ حقیقی و حقوقی میگردد که شخص حقیقی شامل؛ انسان، و شخص حقوقی، شامل؛ شرکت یا مجموعه ای است که قانون برای وی شخصیت فرض کرده است و آن مجموعه را دارای وجودی مستقل از اعضا تشکیل دهنده آن می داند. همچنین، «ثالث در اصطلاح حقوقی به کسی گویند که نسبت به موضوع واقع شده، دخالت نداشته و طرف واقع نشده است. الف) طرف عقد نیست و قائم مقام هیچ یک از متعاقبین نمی باشد. (م ۲۳۱ و ۴۴۸ ق.م. ب) طرف عقد نیست، هر چند که قائم مقام یکی از طرفین باشد. (م ۳۹۹ ق.م. ج) بیگانه نسبت به امری که دو طرف دارد مانند ثالث نسبت به متداعین یک دعوا»^{۱۱}.

بند سوم: اعتراض شخص ثالث

تعریف:

در خصوص اعتراض ثالث اغلب اساتید حقوق، تعریفی ارائه کرده اند که بدواً به بررسی آنها پرداخته و سپس تعریف مورد نظر، که جامع و مانع باشد، ارائه خواهد شد. در یک تعریف آمده است: «اعتراض شخص ثالث، یکی از طرق فوق العاده می باشد که برای اشخاص ثالث باز است؛ در مواردی که در دعوایی، حکم یا قرار صادر شده که بر اثر آن به حقوق آنها خلل وارد آمده، مشروط بر اینکه در آن حکم یا قرار، به اصطلاح بیگانه باشند؛ یعنی خود یا نماینده شان در مرحله دادرسی که منتهی به حکم یا قرار شده است، به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشند»^{۱۲}.

^{۱۰} - ماده واحده لایحه قانونی راجع به اجازه مبادله قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن، به نقل از: عبدالصمد دولاح

اعتراض شخص ثالث در دادرسی های مدنی، چاپ دوم، (تهران، نشر دادگستر، سال ۱۳۸۶)، ص ۱۷

^{۱۱} - جعفری لنگرودی، ترمینولوژی، ص ۳۷۸

^{۱۲} - احمد متین دفتری، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، (چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، سال ۱۳۷۸)، ج ۲، ص ۱۴۸

در خصوص این تعریف باید گفت که؛ اعتراض شخص ثالث، درست است که یکی از طرق فوق العاده شکایت از آرای میباشد، ولی این طریقه تنها راهی است که تنها و صرفاً برای ثالث اختصاص دارد، و از عبارت «یکی از طرق فوق العاده می باشد که برای اشخاص ثالث باز است»، به نظر می رسد چنین استنباط شود که؛ اعتراض ثالث یکی از طرق فوق العاده برای اشخاص ثالث است و طرق دیگری نیز برای اعتراض شخص ثالث وجود دارد، که این امر صحیح نمی باشد. در تعریف دیگری نیز آمده: «نوعی شکایت و دعوی است که:

اولاً: از طرق فوق العاده شکایت از احکام و قرارهاست.

ثانیاً: شاکی باید از کسانی باشد که شخصاً یا توسط نماینده، در مرحله دادرسی که منتهی به رای شده است، به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد (دخالت به عنوان وکالت از اصحاب دعوی هم، کافی است).

ثالثاً: قائم مقام اصحاب دعوا، نمی تواند اعتراض ثالث کند.

رابعاً: رای مورد اعتراض باید، مخل حق شاکی باشد و فعلیت اخلال، شرط نیست.^{۱۳}»

در خصوص این تعریف به نظر می رسد قسمت ثانیاً، مربوط به ثالث بودن معترض و به خصوص در جایی که آمده: «دخالت به عنوان وکالت از اصحاب دعوا هم کافی است»، با تعریف قانونگذار و مفهوم وکالت مخالف باشد؛ چرا که، اگر معترض قبلاً به عنوان وکیل یکی از اصحاب دعوا در دادرسی منتهی به رای دخالت کند، از آنجایی که وکیل صرفاً به وکالت عمل می نماید و تمام تعهدات و حقوقی که از اقدام و در حدود صلاحیت ایشان ناشی می شود، مستقیماً به موکل بر می گردد و ایشان نه به عنوان شخص خود، بلکه به عنوان نایب موکل خود اقدام می نماید، لذا وکالت یکی از اصحاب دعوا در دادرسی، مانع از آن نیست که اگر وکیل بعداً متوجه شود که رای صادر شده در دادرسی منافی حقوق شخصی ایشان باشد به آن اعتراض نماید؛ چرا که وکیل مذکور

^{۱۳} - جعفری لنگرودی، مبسوط، صص ۶۲، ۶۳

اصالتاً طرف دعوا نبوده است و حضورش نه برای دفاع از حقوق خود، بلکه به نیابت از موکل و برای دفاع از حقوق ایشان بوده است و سلب حق اعتراض ثالث از وکیل و یا نماینده، که جزء اصحاب دعوا نبوده اند و حکم صادره در حقوق آنها تاثیری ندارد و با تعریف صریح قانونگذار مخالف می باشد.

آنچه در ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص تعریف اعتراض شخص ثالث آمده عبارت است از اینکه: «اگر در خصوص دعوایی، رأی صادر شود که به حقوق شخص ثالث خلل وارد آورد و آن شخص و یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید.»

عناصر این تعریف و آنچه که جزء ارکان و لوازم اعتراض شخص ثالث در تعریف قانونگذار آمده است، عبارتند از:

«اولاً: باید رأی در خصوص دعوا؛ اعم از اینکه قرار یا حکم باشد، صادر شده باشد. ثانیاً: رأی صادره، به حقوق شخص ثالث خلل وارد کند.

ثالثاً: آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به صدور رأی شده، به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد.»^{۱۴}

لذا واضح است که، صرف حضور معترض در جریان رسیدگی، موجب سقوط حق اعتراض ایشان نمی گردد؛ چرا که برای این امر باید ایشان به عنوان یکی از طرفین دعوا حضور داشته باشد و صرف دخالت یا حضور ایشان در جریان دعوا، حتی با امکان اینکه وی از جریان دعوا اطلاع داشته و امکان ورود ثالث در زمان رسیدگی وجود داشته، مانع طرح دعوای اعتراض ثالث نمی شود. بنابراین به نظر می رسد برای رسیدن به کامل ترین تعریف، که جامع و مانع نیز باشد، باید با بهره گیری از توضیحات برخی از اساتید و پس از بررسی تعاریف فوق چنین گفت: «یکی از طرق

^{۱۴} - سید محمد علی کشاورز صدر، تجدید رسیدگی: طرق فوق العاده رسیدگی در امور مدنی، چاپ اول، (تهران، انتشارات دهخدا، سال